

# بررسی و تحلیل نقش بحرانهای اجتماعی در موفقیت آثار شعر فارسی از آغاز تا قرن هشتم

نویسنده: لایلا خیاطان: کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی / عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد

## چکیده:

مطالعه دقیق تاریخ به منظور درک و شناخت ریشه‌های پیوند آن با شعر و ادب، از دیدگاه جامعه‌شناسی ادبیات یک ضرورت است. جامعه‌شناسی ادبیات باور دارد که رشد شخصیت اجتماعی شعر فارسی در مقید بودنش به انعکاس واقعیت‌های اجتماعی است و واقعیت‌های اجتماعی محصول دگرگونی‌های تاریخی است. از همین دیدگاه است که تاریخ و ماجراهای سراسر رنج و هراس آن، علت بسیاری از جریانهای فکری-ادبی می‌شود.

به هر حال کوشش برای دست‌یافتن به نقش بحرانهای اجتماعی در موفقیت آثار شعر فارسی، ما را با جریانهای اجتماعی سیاسی بحران‌زای بسیاری روبه‌رو می‌سازد، که در پاره‌ای مواقع به تنهایی می‌توانند مسئولیت انسجام، یکدستی و نظام‌یافتگی بسیاری از آثار شعر فارسی را به‌عهده بگیرند. البته این بدان معنا نیست که نقش جریانهای اجتماعی-سیاسی بحران‌زا را در محدود سازی امکانات شعر فارسی و یا مانع‌تراشی در مسیر حرکت آن به سوی کمال واقعی‌اش انکار کنیم و یا توجیهاات دیگری برای بن‌بست‌های فکری-ذوقی ناشی از آنها بیاوریم.

در این مقاله می‌کوشیم تا از زاویه‌ی دید بهتری به هنجار گسیختگی‌های اجتماعی تاثیرگذار بر شعر فارسی نگرینسته و میزان دخل و تصرف بحرانهای اجتماعی را در موفقیت آثار شعر فارسی آن هم در یک محدوده‌ی تاریخی معین -از آغاز تا قرن هشتم- اندازه بگیریم.

زبان فارسی به عنوان اسناد فرهنگی-تاریخی جامعه قضاوت کرد. به عبارت دیگر، سندیت و اعتبار اجتماعی برخی سروده‌های زبان فارسی به اندازه‌ایست که می‌توان پیوند میان ادبیات و جامعه را به طور جدی مورد تحلیل و بررسی قرار داده و درباره‌ی ابعاد و جوانب اجتماعی شعر فارسی به نتایجی مطلوبی دست یافت.

مقاله حاضر که بررسی و تحلیل نقش بحرانهای اجتماعی را در موفقیت آثار ادبی از آغاز تا قرن هشتم بر عهده دارد، می‌کوشد تا ضمن اشاره به شرایط تاریخی-سیاسی تاثیرگذار بر فکر و ذهن شاعران، مسئولیت بخشی از استعداد، قابلیت و کفایت عقلی بزرگان شعر و ادب را بر دوش چنین شرایطی نهاده و بر همین مبنا توان خلاقیت و قدرت نوآوری ایشان را بسنجد.

دست یافتن به ارزش اجتماعی سروده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که اکثر شاعران فارسی زبان تصویر درست و زنده‌ای از دنیای پیرامون خود به دست داده‌اند. دنیایی که گاه یکدست و زیباست و گاهی سرشار از تناقض و تضاد است. کیفیت این تناقضات که اتفاقاً از لابه‌لای فراز و نشیب‌های سرنوشت شعر فارسی پیداست، دنیای واقعی آن را می‌سازد. ظرافت و دقت شعر فارسی در نشان دادن دشواریها و ناهمواری‌های این دنیای واقعی، توصیف و تصویر لرزان و ناموزون تیرگی‌ها را به همراه داشته‌است، ولی آنچه اهمیت دارد، شناخت شرایط و معیارهای شعر فارسی در شرایط بحرانی تاریخ است.

باید پذیرفت که حضور و ظهور این شرایط و قدرت تاثیرگذاری آن بر شعر فارسی به اندازه‌ایست که می‌توان بار مسئولیت بخشی از نگرشهای نو و اندیشه‌های تازه را به عهده‌ی آنها گذاشت. حضور شرایطی از این دست، با خلق چشم اندازه‌های تازه توانسته است بافت اجتماعی شعر فارسی را محکم ساخته و پای مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عناصر و ارزش‌های اجتماعی را به شعر فارسی باز کند. البته حضور شرایط بحرانی تاریخ، بحران ارزشهای شرقی را نیز به همراه داشته‌است. ولی نکته اینجاست که هوش اجتماعی بالای سراینده‌گان فارسی زبان و درک درست ایشان از واقعیت‌های تلخ جامعه محتوای بخشش عظیمی از اجتماعیات شعر فارسی را تشکیل می‌دهد.

به هر حال واقعیت این است که بر اثر پیچ و خم‌های سیاسی ناشی از حرکت سنگین تاریخ، بحرانهای ادبی بسیاری در سرنوشت شعر فارسی رقم خورده‌است. در جریان این حرکت کانونهای شعر و شاعری بسیاری از هم پاشیده شده و کمترین نتیجه‌ی این فروپاشی، تنزل بازار شعر و شاعری بوده‌است و در هر صورت تصور اینکه هر جا امنیت عمومی با حملات مداوم تهدید شود، قطعاً فعالیت‌های ادبی دستخوش نوسان خواهدگشت، چندان دشوار نیست.

از حساسیت و دقت در سیر تکاملی شعر فارسی به خوبی می‌توان دریافت که خیلی واقعی‌تر و مطمئن‌تر از تاریخ و تحولات اجتماعی-

#### متن مقاله:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید

بر حال تباہ مدم بر گرید

دی بر سر مرده‌بی دو صد شیون بود

امرو یکی نیست که بر صد گرید

«کمال‌الدین اسماعیلی»

خلاق‌المعانی، کمال‌الدین اسماعیل بی جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی یکی از شاعران بزرگی است که قربانی ایلغار مغول شد. رباعی فوق توصیف دورانی از تاریخ است که رویدادهای تلخ و ناگوارش، هیچ‌گونه ضمانتی برای انسان بودن و انسان زیستی بوجود نمی‌آورد؛ و ناآرامی‌هایی که حاصل چکاچاک شمشیرهای تنگ چشمان شرق آسیا درعرصه‌ی امپراطوری خوارزمشاهان بود، مجالی برای رشد و بقای ارزشهای اخلاقی و انسانی باقی نمی‌گذارد. بسیاری سروده‌هایی از این دست که توانسته‌اند بار تعهد و مسئولیت اجتماعی را به دوش شعر فارسی نهاده و توفیقات قابل ملاحظه‌ای را از خلق چنین تصاویر هولناکی نصیب شعر فارسی کنند.

امروزه به مدد تحولات چشمگیر و فوق‌العاده‌ی که در زمینه‌ی نقد ادبی بوجود آمده، به راحتی می‌توان درباره‌ی سروده‌های

دست یافتن به ارزش

اجتماعی سروده‌های زبان

فارسی نشان می‌دهد که

اکثر شاعران فارسی زبان

تصویر درست و زنده‌ای

از دنیای پیرامون خود به

دست داده‌اند. دنیایی که گاه

یکدست و زیباست و گاهی

سرشار از تناقض و تضاد

است. کیفیت این تناقضات

که اتفاقاً از لابه‌لای فراز و

نشیب‌های سرنوشت شعر

فارسی پیداست، دنیای

واقعی آن را می‌سازد.



ادب هستیم.

اعراب که به جهت تبعیض نژادی و عمل نکردن به وعده‌های دینی خویش، اسباب مزاحمت و معارضت زبان فارسی را فراهم ساختند، هرگز مانع ظهور و حضور شعر به زبان فارسی نشدند. گزافه نیست اگر ادعا کنیم که محیط اجتماعی-سیاسی نامطلوب ایران در آن ایام، یکی از منابع الهام شاعرانه بوده‌است. زیرا که شاعر مصالح فکری خود را از مسائل اجتماعی پیرامون خود می‌گرفت و قصد داشت با خلق محصولی عالی از ذوق واندیشه، گام بلندی در جهت نفع اجتماعی بردارد. بهترین مصداق این ادعا، شاهنامه‌ی فردوسی است. سروده شدن شاهنامه که از حرکت‌های ادبی سده‌های نخستین جامعه‌ی اسلامی ایران محسوب می‌شود، تلاش شعر فارسی را در این یعنی حرکت در جهت نفع اجتماعی، به خوبی نشان می‌دهد. ولی اهمیت و ارزش شاهنامه‌ی فردوسی را که با در نظر گرفته شدن پشتوانه‌ی فرهنگی-تاریخی ایران سروده شده‌است، نیاز فرهنگی-اجتماعی زمان شاعر تعیین می‌کند و درست از زاویه‌ی درک این مطلب است که نقش بحرانهای اجتماعی در غالبیت و موفقیت یک اثر ادبی معلوم می‌شود.

از حمله‌ی اعراب به ایران تا حمله مغول که تاریخ فرصت یافته‌بود یکی دیگر از حوادث تلخ خویش را تجربه کند. اساس شعر فارسی با استواری و دقت تمام نهاده شد. پرورده شدن شعر فارسی در دامان رفاه و تجمل دربارهای سلاطین سامانی و غزنوی، رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی شعر فارسی را باعث شد. پناه‌بردن شعر به دامان حمایت

سیاسی ناشی از پستی و بلندیهای آن در ساختن و پرداختن و اعتلاء شعر فارسی وجود ندارد. بستگی سپس تکامل شعر فارسی به طرز معنی‌داری تضمین کرده‌است. به عبارت بهتر، شکافتن لایه‌های زیرش و تودرتوی تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران به جهت شناخت و درک جریانهای ادبی ناشی از آن نشان می‌دهد که سروصدا و ازدحام تاریخ به نفع شعر فارسی تمام شده‌است.

در ادوار مورد مطالعه ما یعنی از آغاز شعر فارسی تا قرن هشتم سه مرحله‌ی بحرانی تاثیرگذار بر شعر فارسی به چشم می‌خورد که اتفاقاً با ظهور سرایندگان بزرگی مانند فردوسی، ناصر خسرو، مولوی و سعدی متقارن افتاده‌است.

ظهور و حضور مداوم و پایدار این سرایندگان در عرصه‌ی شعر و ادب به واسطه‌ی آفرینش‌های ادبی از جمندشان دلیل قاطعی است بر اینکه مدعی شویم، اگر هیجانانگیز و جریانهای ذهنی شاعران به صالح مسئولیت اجتماعی-انسانی مجهز شود، می‌تواند فرصت تدارک اسباب جدید را به شعر فارسی ببخشد.

در ادوار تاریخی مورد مطالعه‌ی ما، اولین مرحله‌ی بحرانی تاریخ، حمله‌ی اعراب به ایران بوده‌است. در نتیجه این حمله که به روایت تاریخ، توانسته‌بود بساط امپراطوری آل ساسان را برچیند و مدت‌ها مایه‌ی تنزل و تزلزل همه جانبه‌ی شئون جامعه گردد، نهضت شعوبیه شکل گرفت. در جریان شکل‌گیری این نهضت بستر مطلوبی برای رشد انواع علوم و ترجمه‌ی انواع متون به زبان عربی فراهم شد. حتی با توجه به امکانات ادبی زبان عربی شاهد نمونه‌های موفق‌تری از شعر و

فارسی انجامید، و با موفقیت رازناک سروده‌های این روزگار را بر دوش شرایط نامساعد آن نهاد.

فریحه‌ی استثنایی و استعداد کم‌نظیر سرایندگان فارسی زبان در این موقع تاریخ، با کمک‌گرفتن از امکانات نهفته و آشکار شعر و زبان فارسی می‌تواند برجستگی و پرمایگی شعر فارسی رادر این ایام توجیه کند. البته توجیحات و تفسیراتی که درباره‌ی شکل‌گیری شیوه‌های شاعری این سرایندگان به شرایط محیطی سخت پایبندی نشان‌دهند، نگرش یکسویه محصول می‌شود و منطقی نیست؛ زیرا از قوانین، ارزش‌ها و اصولی که شرایط تاریخی پیش‌پای شعر فارسی گذاشته، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های ذاتی و شعر فارسی برای رشد و پیشرفت، به قضاوت ناعادلانه در این باره منتهی می‌شود. و این از دیدگاه اصول نقد ادبی پذیرفتنی نیست. به هر حال جدیت شعر فارسی در به تصویر کشیدن ناهنجاری‌های اجتماعی - اخلاقی با نیروی خلاقیت و شهامت شاعران فارسی زبان درآمیخت و با شرایط نامطلوب روزگار همراه شد و توانست ضامن ماندگاری و موفقیت آثار خود شود.

#### فهرست منابع:

- ۱ - بهار، محمدتقی: بهار و ادب فارسی، به کوشش محمد گلبنی، انتشارات شرکت علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲.
- ۲ - ترابی، علی‌اکبر: جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، انتشارات فروغ‌آزادی، تبریز ۱۳۸۰.
- ۳ - زرین کوب، عبدالحسین: دوقرن سکوت، انتشارات سخن، تهران ۱۳۷۸.
- ۴ - زرین کوب، عبدالحسین: روزگاران، انتشارات سخن، تهران ۱۳۸۱.
- ۵ - شعبنی، رضا: مبانی تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات قومس، تهران ۱۳۷۹.
- ۶ - صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۷.
- ۷ - مومن، زین‌العابدین: تحول شعر فارسی، انتشارات زبان و فرهنگ، تهران ۱۳۵۴.
- ۸ - کرمانی، اوحدالدین: دیوان رباعیات، به کوشش احمد ابومحبوب، انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۰.

درباره‌های شاعرانوار، عملاً نشانه‌ی گرایش سرایندگان فارسی زبان به حفظ نخستین پایگاه حمایتی خویش است. هر چند که بر اثر چنین شرایطی شعر فارسی جز به زنده نگه‌داشتن خاطره‌ی شاعر نوازی‌های ایشان در خاطر تاریخ ادبیات فکر نمی‌کرد و دیگر فرصتی برای وارد شدن به لایه‌های زیرین جامعه نمی‌یافت.

با این حال، حمله‌ی غزان به خراسان یکی از تنش‌های تاریخی در آن ایام است که توانست شعر فارسی را از دروازه‌های طلایی دربار خارج سازد و وسایل اشرافیت را از شعر فارسی بگیرد و آن را از شرح کامرانی‌ها و کام‌ورزی‌ها باز دارد، و به تلافی آنچه گرفته‌است، فرصت‌های بیشتری برای گسترش حوزه‌ی مضمون‌سازی در اختیار شعر فارسی قرار دهد. نارسایی‌های اجتماعی-سیاسی ناشی از این رویداد تاریخی نیز در رسیدن آن به این مقصود کمک موثر به شماره می‌رفت مینا به منطق تغییر و تحولات ناشی از این بحران تاریخی نقش مثبت و منفی جریان‌های اجتماعی در آرمان‌ها و استعدادی به داروی گرفته‌شد. بار اجتماعی‌گرفتن بیشتری سروده‌های این روزگار نتیجه‌ی فکری و منطقی این داوری‌ها بود. سرایندگان فارسی‌زبان برای به تصویر کشیدن اضطراب و هیجان‌های ناشی از این جریان تاریخی اصرار داشتند. اصرار ایشان به اینکه واقعیت‌های اجتماعی می‌توانند مصالح یک ساختمان ادبی را فراهم ساخته و کیفیت خاصی جهت ارائه مسایل اجتماعی به شعر فارسی ببخشند، سبب شد تا درباره‌ی شرایط زندگی اجتماعی مردم زمان خویش بر مبنای وجدان حکم کنند.

وجدان‌گرایی شاعران فارسی‌زبان راز بسیاری از ارزش‌های اجتماعی نهفته در آثار شعری را بر خواننده می‌گشاید و او را به عمق جنبه‌هایی از شعر فارسی راه می‌برد که در گرو درک عمیق واقعیت‌های اجتماعی است. اعتلاء و برجستگی اکثر قطعات و قصایدی که در دفاتر شعری آن ایام به چشم می‌خورد محصول رابطه‌ی مستقیم شرایط تاریخی-اجتماعی با امکانات ذهنی-ذوقی زمان است. بدین معنا که زمان و رویدادهایش با شیوه‌ی خاصی که در پرداخت مطالب ادبی ایجاب می‌کند، در فعلیت بخشیدن به برخی استعدادهای شعری سخت موثر است.

و اما سومین دوره‌ی بحرانی تاریخ شعر فارسی با هجوم ویرانگر مغولان مصادف شد. بدون شک توقع تاریخ از حمله‌ی مغول که اتفاقاً یکی از بحرانی‌ترین مواقع حیاتش بوده‌است، چیزی جز ارائه‌دادن و به تصویر کشیدن مصیبت‌ها و محنت‌ها مردمی که نامردمی‌ها دیده و رنج بسیاری متحمل شده‌اند، نیست و اینجاست که باز هم تاریخ با کمک‌گرفتن از تجربیات خود می‌کوشد تا آثار شعری را با دادن بار اجتماعی به آنها ارزشمند سازد و برای حفظ پیوند خویش با ارزش‌های ادبی نیز، از نتایج منفی رویدادهایش مایه بگذارد. رسالت تاریخ در ساخت و ساز واقعیت‌های تلخ، به شکوهمندی آثار شعر